

تدوین مدل مفهومی توانمندسازی زنان روستایی با استفاده از نظریه داده بنیان (مورد مطالعه: دهستان عشق آباد شهرستان نیشابور)

سال سیزدهم، شماره سوم، بهار ۱۳۹۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۱۸

شماره صفحه: ۸۹-۱۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۲۵

اسداله عربخانی^۱

سید محمد سید میرزایی^۲

علیرضا کلدی^۳

چکیده

این مقاله ضمن بررسی عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی در دهستان عشق آباد شهرستان نیشابور استان خراسان رضوی، به بررسی نقش این زنان در ارتباط با توسعه محلی می‌پردازد. در این مقاله از روش گراند تئوری و تکنیک‌های ارزیابی مشارکتی روستایی، مصاحبه نیمه ساخت یافته، مشاهده و قدم زدن در میدان و بحث گروهی استفاده گردیده و با روش گلوله برفی نسبت به انتخاب نمونه‌های آماری تا مرحله اشباع نظری (در نفر بیست و پنجم) در داده‌ها پرداخته و پس از تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده در میدان از طریق کدگذاری (باز، محوری و انتخابی) با انتخاب مقوله مرکزی "توانمندسازی زنان روستایی"، اقدام به استخراج نظریه‌ای براساس داده‌های گردآوری شده از میدان پژوهش نموده است. سپس با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌های خام گردآوری شده از میدان پژوهش، بر اساس اصول حاکم بر روش گراند تئوری یعنی رویه‌های تحلیل "سؤال کردن" و "مقایسه نمودن"، مفاهیم از دل داده‌های خام گردآوری شده از میدان تحقیق، استخراج گردید. سپس بر اساس همان روش، ابتدا در یک مرحله مقولات خرد از مفاهیم استخراج و در مرحله بعدی مقولات گسترده استخراج شده و سپس از طریق کدگذاری محوری سه مدل پارادایمی؛ پدیده عوامل

۱. دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، نویسنده مسؤول arabkhanias116@yahoo.com

۲. استاد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

seyedmirzaie@yahoo.com

a. kaldi@Srbiau.ac.ir

۳. استاد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

فردی مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی، پدیده عوامل اقتصادی مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی و پدیده عوامل اجتماعی مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی، در راستای کدگذاری محوری ساخته شد و ضمن بیان روایت داستان مقوله محوری یا هسته‌ای "توانمندسازی زنان روستایی" در راستای کدگذاری انتخابی استخراج گردید و با توجه به عناصر تشکیل دهنده مقوله هسته‌ای، نظریه "توانمندسازی زنان روستایی به مثابه عاملی برای توسعه محلی" از داده‌ها استخراج و مدل مفهومی آن ترسیم گردید.

واژگان کلیدی: توانمندسازی زنان روستایی، توسعه محلی، توسعه روستایی، مشارکت، رفاه اجتماعی

مقدمه

زنان به‌عنوان یک سرمایه اجتماعی، بخش قابل توجهی از جمعیت جامعه را به خود اختصاص می‌دهند. آنان بیش از یک چهارم جمعیت کل جهان و حدود نیمی از جمعیت روستاهای ایران را تشکیل می‌دهند، هر چند از انعکاس فعالیت‌های آنان در آمارهای رسمی، خبری نیست و آنان جزء جمعیت غیرفعال اقتصادی طبقه‌بندی شده‌اند. کار مولد اما پرداخت نشده زنان روستایی نقش مهمی در افزایش درآمد خانواده و کاهش هزینه‌های تولید و تشکیل سرمایه دارد و از همه مهمتر بیانگر سهم آن‌ها در اقتصاد ملی کشور است، اما با این وجود از جمله محروم‌ترین گروه‌های جامعه هستند که همیشه به‌عنوان قشری آسیب‌پذیر در تله‌ای از دام محرومیت مانند فقر گرفتارند. آمارها نشان می‌دهند که زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی ۶۰٪، در فعالیت‌های دامداری و عمده فعالیت‌های باغداری ۶۳٪، دارای نقش اساسی هستند اما این واقعیت‌ها از لحاظ اجتماعی و اقتصادی به چشم نیامده است، و شاید به‌همین خاطر، به‌رغم اهمیت و نقش بارز زنان در ابعاد و جوانب مختلف زندگی روستایی و در تحولات و برنامه‌های اجرا شده به توزیع و ایجاد زیر ساخت‌های توسعه، سرمایه‌گذاری بسیار محدودتری در زمینه کلیه فعالیت‌های پشتیبانی برای آنان صورت گرفته است (عمادی، ۱۳۸۰: ۲۱). بنابراین، نقش زنان در برنامه‌های متعدد توسعه‌ای نادیده گرفته شده و این قشر مغفول مانده‌اند. بر همین اساس در مناطق شهری به صورت بسیار کم و در مناطق روستایی شاید بتوان

ادعا کرد که هیچ‌گونه تحرکی برای توانمندسازی آنان صورت نمی‌گیرد. برای فعال کردن زنان روستایی در توسعه بویژه توسعه پایدار محلی نیاز به توانمندسازی آنان است. بر همین اساس، باید ابتدا عوامل توانمندسازی زنان روستایی را شناسایی کرده تا بتوان نسبت به توانمند ساختن این قشر برای حضور در توسعه اقدام نمود. حال سؤال اساسی در این پژوهش این است که عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی چیست؟ به تعبیری دیگر شیوه‌های توانمندسازی زنان روستایی در منطقه مورد مطالعه چه می‌تواند باشد؟

اهمیت و ضرورت موضوع

زنان روستایی نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در روند توسعه روستایی دارند، تا آن‌جا که از جنبه اقتصادی، زنان روستایی تولیدکننده بیش از نیمی از مواد غذایی هستند که در مناطق روستایی تولید می‌شود. زنان در واقع مدیران اقتصاد خانوار بوده، بسیاری از فعالیت‌های مرتبط با آماده‌سازی، نگهداری و فرآیند مواد غذایی را بر عهده دارند و در امور مربوط به نگهداری از دام‌ها، تهیه مواد غذایی، جمع‌آوری سوخت و مدیریت اقتصاد خانوار، تولید صنایع دستی، اکوتوریسم روستایی، حفظ منابع طبیعی و ... نیز نقش برجسته‌ای دارند. به طوری که این نکته به خوبی روشن است که سهم عمده‌ای از درآمد خانوارهای روستایی از طریق فعالیت زنان به دست می‌آید و در برخی موارد حتی سهم درآمد زنان در اقتصاد خانوار، بیش از سهم مردان است. در فرآوری مواد غذایی نیز، زنان نه تنها مدیریت تغذیه و تأمین مواد غذایی بلکه نقش اساسی را نیز در جمع‌آوری و تأمین سوخت برای تهیه و تولید مواد غذایی بر عهده دارند.

بنابراین، به نظر می‌رسد که برای ایفای نقش بیشتر زنان روستایی در توسعه پایدار محلی باید آنان را توانمند ساخت و پیش‌زمینه این امر شناسایی عوامل مؤثر بر توانمندسازی آنان است.

اهداف تحقیق

هدف اصلی این تحقیق شناسایی عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان در دهستان عشق آباد شهرستان نیشابور است.

- شناسایی عوامل فردی مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی؛
- شناسایی عوامل اقتصادی مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی؛
- شناسایی عوامل اجتماعی مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی؛
- ارائه یک مدل مفهومی از عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی.

سؤال تحقیق

عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی در ارتباط با توسعه محلی در منطقه عشق آباد شهرستان نیشابور چیست؟

مبانی نظری

نظریات پیرامون نقش زنان در توسعه از نظریات فمینیستی و عمدتاً از نظریه بوزروپ^۱ تأثیر پذیرفته است. او نشان داده است که برنامه‌های توسعه به کار گرفته شده در کشورهای جهان سوم موفق نبوده و یا حتی در جهت عکس توسعه عمل کرده است. به اعتقاد بوزروپ برنامه‌ریزان به معنای واقعی به نابرابری جنسیتی پی نبرده‌اند. به اعتقاد او میان مسایل مربوط به زنان که لزوماً مشکل آفرین نیستند و مسایل جنسیتی که مرکز ثقل برنامه‌های توسعه در امور زنان است، باید تمایز قایل شد. مسایل جنسیتی بر اثر فاصله جنسیتی به وجود می‌آید و فاصله جنسیتی حاصل نظام تبعیض‌های موجود در جامعه است (لانگه، ۱۳۷۲: ۲۴).

در حوزه‌های آثار اقتصادی، اجتماعی مورد توجه فمینیست‌ها بر زنان سه دیدگاه یا نظر با هم رقابت می‌کنند. به نظر تیانو^۲، سه دیدگاه در این زمینه با هم در رقابت‌اند. در نظریه ادغام گفته می‌شود توسعه، با درگیر کردن هر چه بیشتر زنان در اقتصاد. زندگی

1. Boserup
2. Tiano

عمومی، به رهایی زنان و برابری جنسیتی می‌انجامد. در نظریه "حاشیه ای شدن" بیان می‌گردد توسعه سرمایه داری، زنان را بیش از پیش از ایفای نقش‌های تولیدی باز می‌دارد و به قلمرو خصوصی و خانه محدود می‌نماید. در این نوع توسعه، زنان کنترل خود را بر امکانات مادی از دست داده و از نظر مالی به مردان وابسته می‌گردند. در نظریه "بهره کشی" نیز بیان می‌گردد که مدرنیته شدن به پیدایش نوعی نیروی کار ارزان زنانه منجر می‌شود. زنان در بخش تولید صنعتی نقش مهمتری پیدا می‌کنند، اما از آن جا که نیروی کار درجه دوم محسوب می‌شوند، در معرض بهره‌کشی قرار می‌گیرند (ابوت و والاس، ۱۳۸۰: ۷۲-۷۵). برخی از فمنیست‌های دیگر هم معتقدند توسعه موقعیت زنان را وخیم‌تر کرده است، زیرا ورود اشکال تازه صنعت و برنامه‌های کمک رسانی، باور غربی در باره فمینیسم را تحمیل می‌کند. مردان برای کار ناچار به مهاجرت شده و ممکن است خانه را به کلی ترک کنند و مسؤولیت عمده حفاظت از خانواده و تأمین نیازهای اقتصادی را علاوه بر زایش و پرورش فرزندان، بر دوش زنان بیفتند. شواهدی در تأیید نظریه ادغام وجود ندارد اما قراینی وجود دارد که نظریه حاشیه‌ای شدن را تأیید می‌کند. یعنی زنان از نقش‌های تولیدی محروم و در قلمرو خصوصی خانه محصور می‌شوند. به نظر می‌رسد این جریان در برخی از مناطق روستایی روی داده است. ولی در ظاهر در مناطق شهری و برخی دیگر از مناطق روستایی، فرآیند مدرنیته شدن به ظهور شیوه‌های تازه بهره‌کشی انجامیده است که زنان را به نیروی کار ارزان و قابل مصرف در کارخانه و یا مزرعه تبدیل کرده است (همان: ۷۸).

نظریه توانمندسازی نیز بر مبنای تألیفات فمنیست‌ها و با تکیه بر تجارب کشورهای جهان سوم شکل گرفته‌اند. این نظریه‌ها خواستار قدرت دادن به زنان نه به معنای برتری یک فرد بر فرد دیگر، بلکه به معنای افزایش توان آن‌ها برای اتکا به خود و گسترش حق انتخاب در زندگی هستند. نظریه‌های یاد شده خواهان رفع نابرابری در جامعه، تأمین همه احتیاجات اولیه زنان تقسیم کار در خانواده میان زن و مرد، امکان بهره‌برداری هر فرد از توانایی‌های خود و رفع تبعیض‌های قانونی بین زن و مرد هستند. لانگه یکی از نظریه‌پردازان این گروه بر این اعتقاد است که برای توانمندسازی زنان باید پنج مرحله را طی کرد که این مراحل عبارتند از: رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت و کنترل.

در مرحله رفاه، رفاه مادی زنان (مانند تغذیه و درآمد) بررسی می‌شود. در این مرحله توانمندسازی، رفع تبعیض بین زنان و مردان مد نظر قرار می‌گیرند. در مرحله دسترسی، زنان باید به عوامل تولید (مانند زمین، کار، سرمایه)، کارهای مولد درآمد، خدمات آموزش‌های مهارت‌زا (که استخدام و تولید را ممکن می‌سازد) و حتی دسترنج خود دسترسی داشته باشند. در مرحله آگاهی، زنان باید تشخیص دهند که مشکلات آن‌ها ناشی از کمبودهای شخصی‌شان نیست، بلکه نشأت گرفته از نقش‌های جنسیتی مربوط به فرهنگ است و به همین دلیل قابل تغییر است. آگاهی در این مفهوم به معنی باور داشتن برابری است. در مرحله مشارکت، زنان در تمام برنامه‌های مربوط به خود شرکت می‌کنند. مشارکت آن‌ها باید با شمار آن‌ها در جامعه متناسب باشد. برابری در کنترل به معنی توازن قدرت بین زنان و مردان است (لانگه، ۱۳۷۲: ۱۰۳).

در نظریه گیدنز، عاملیت و ساختار، برای کوچکترین مساله مانند ذهنیت فرد تا نظام‌های جهانی قابل کار بست است، در نظریه ساختاری شدن، حیطة اصلی مطالعه علم اجتماعی نه تجربه فرد کنشگر و نه وجود هیچ شکلی از کلیت اجتماعی است، بلکه اعمال اجتماعی است که در طول زمان و مکان نظم یافته‌اند. چارچوب تفکرات گیدنز بر حسب مسائل جامعه‌شناختی است. همین شالوده جامعه‌شناختی او را از سایر نظریه پردازان اروپایی که سعی دارند مسائل فلسفی را به وسیله ابزارهای جامعه‌شناختی حل کنند، متمایز می‌گرداند (کوهن، ۱۳۷۹: ۴۲۴). گیدنز ساختار را بر حسب قواعد و منابع تعریف می‌کند (کرایب، ۱۳۸۸: ۱۴۳). او معتقد است جامعه‌شناسی فقط با در نظر گرفتن کردارهای اجتماعی به‌عنوان موضوع مطالعه می‌تواند بر دوگانگی سنتی کنش و ساختار فائق آید. این دوگانگی در واقع دو وجهی بودن است: یک "چیز" یا یک موضوع مورد مطالعه با دو وجه وجود دارد، بر اساس نظریه ساختاربندی، قلمرو پژوهش اساسی علوم اجتماعی نه تجربه کنشگر فردی و نه وجود نوعی کلیت اجتماعی، بلکه کردارهای اجتماعی سامان یافته در زمان و مکان است (همان: ۱۴۴-۱۴۵). آمارتیاسن در کتاب توسعه به مثابه آزادی، فصلی را به زنان اختصاص داده است. این فصل تحت عنوان "نقش فاعلی زنان و تحولات اجتماعی"، به اهمیت بهداشت و سلامتی زنان با نقش فاعلی آنان اشاره می‌کند و تأثیر این نقش را در حوزه‌هایی مانند میزان فاعلیت زنان بر باروری و

تقویت بقای کودکان بررسی می کند.

آمارتیا سن این دو حوزه را نه تنها در جهت توانمندی زنان بلکه تأثیر آن را بر توسعه جوامع نیز مهم می شمارد. او نقش فاعلی زنان را از فعالیت های اقتصادی و اجتماعی تا مشارکت های سیاسی قابل تعمیم می داند. سن فراگیری گسترده فاعلیت زنان را یکی از بخش های فراموش شده مطالعات توسعه می داند. به اعتقاد او در عصر حاضر هیچ چیزی مهم تر از درک کافی از مشارکت های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زنان نیست. در واقع او توجه به این موضوع را بررسی جنبه مهم توسعه به مثابه آزادی می داند (سن، ۱۳۸۵: ۲۲۹).

اجلاس سازمان ملل روی توسعه و محیط زیست در ریو دوژانیرو در سال ۱۹۹۲ اتفاق مهمی برای زنان سراسر جهان بود. زیرا نقش زنان در دستیابی به نوعی متفاوت از توسعه را که به طور اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی پایدار باشد، بازگشایی کرد و سهم اساسی آنان را در مدیریت محیط زیست و توسعه بیشتر مورد توجه قرار داد، در دستور کار ۲۱ این اجلاس، زنان به عنوان یک گروه اصلی که مشارکت آن ها در توسعه پایدار ضروری است، مورد توجه قرار گرفته اند (خسروی پور و فروشانی، ۱۳۹۰: ۶۵). بر اساس خط مشی اقدام در این اجلاس، توانمندسازی زنان، مشارکت کامل و برابری زنان، پایه هایی برای برابری صلح و توسعه پایدار هستند. براساس این خط مشی سیاست هایی که زنان و مردان را به طور یکسان دربرنگیرد، در بلند مدت موفق نخواهد بود (همان: ۵۸). در واقع توجه به نقش زنان در فرایند توسعه از اوایل دهه هفتاد میلادی، ناشی از دو واقعیت مهم عدم تحقق کلی نظریات توسعه در بهبود وضعیت کشورهای جهان سوم و موقعیت نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان در این کشورها بود (روح افزا و اکرامی، ۱۳۸۸: ۱۷۰)، هر چند این تأکیدات طی چند دهه اخیر توجهاتی را به ضرورت بازنگری در برنامه ریزی های توسعه و تغییر در نگرش نسبت به نقش زنان در جامعه ایجاد کرده است، اما هنوز بسیاری از ابعاد این امر کاملاً مشخص نیست و هنوز زنان نتوانسته اند حتی در روند زندگی عادی روزمره خود، جایگاه خاصی در روند توسعه به دست آورند. در حقیقت به زنان به عنوان مجریان برنامه های توسعه ای که از سوی مردان

طراحی و تدوین شده به عنوان عامل اصلی نگریسته می‌شود. بنابراین، «مشارکت زنان را می‌توان به عنوان عامل اصلی در موفقیت برنامه‌ها به شمار آورد و از این لحاظ زنان باید در شکل دادن به برنامه‌ها دخالت نمایند و احساس نمایند که برنامه‌ها متعلق به آنهاست» (صفری شالی، ۱۳۸۰: ۱۲۳). هم چنین، توانمندسازی فرایندی است که طی آن، زنان نسبت به سازماندهی خود توانمند می‌شوند، اعتماد به نفس خود را ارتقا می‌بخشند و از حقوق خود در ارتباط با انتخاب آزاد و کنترل بر منابع استفاده می‌کنند. در این فرایند، زنان جرأت دستیابی به هدف را در خود تقویت می‌کنند و از توانایی لازم برای عملی ساختن خواسته‌های خود بهره‌مند می‌شوند. در رابطه با توانمندسازی زنان، مواردی چون اعطای استقلال مالی و رفع تبعیض از بازار کار را در افزایش توانمندسازی زنان مؤثر می‌دانند (کتابی، یزدخواستی، فرخ راستایی، ۱۳۸۲: ۲۵). در ساده‌ترین تعریف توانمندسازی، فرآیندی است که طی آن افراد، گروه‌ها و جوامع از وضعیت موجود زندگی خود و شرایطی که بر آن حاکم است، آگاهی می‌یابند و برای تغییر شرایط موجود به سمت شرایط مطلوب با شناسایی نیازها و دارایی‌های خود برنامه‌ریزی مناسب، آگاهانه و سازمان‌یافته انجام می‌دهند. بر اساس این نظر، سازمان‌های سنتی و محلی باید تقویت شوند. از این رو، به نظر می‌رسد، توانمندسازی، ترکیبی از نظریه رفاه، برابری و فقرزدایی می‌باشد (محمدی، ۱۳۸۲: ۱۱۵).

بنابراین، توانمندسازی در عرصه توسعه روستایی، یک انتخاب راهبردی است که می‌تواند گذار موفقیت‌آمیز توسعه روستایی را به ارمغان آورد (حیدری ساربان، یاری حصار، طالعی حور، ۱۳۹۳: ۲۷). عده‌ای نیز توانمندسازی را نوعی استراتژی مدیریتی برای تسهیم قدرت تصمیم‌گیری می‌دانند (شاطریان و گنجی‌پور، ۱۳۸۹: ۱۳۶). بنابراین، توانمندسازی عبارت است از، کسب قابلیت‌هایی که طی آن فرد و جامعه توانایی کنترل یا تأثیرگذاری بر نیروهای تعیین‌کننده خود را به دست می‌آورند (دارابی، ۱۳۸۴: ۱۵). در کشورهای در حال توسعه، کشاورزی در مرکز اقتصاد ملی قرار دارد و زنان نقش اصلی را در تولید غذا به عهده دارند. بنابراین، نقش آن‌ها در تولیدات کشاورزی و فرآوری به رشد اقتصادی و کاهش فقر می‌انجامد. زنان اغلب به صورت کارگر خانواده و حقوق‌بگیر محسوب می‌شوند و کنترلی بر اغلب موارد و دیگر فرصت‌ها

ندارند و نقش آن‌ها در توسعه کشاورزی و توسعه اقتصادی و اجتماعی محدود می‌ماند. اگر چه زنان نقش قابل توجهی در اقتصاد خانواده خود دارند، اما هنوز مردان مدیریت خانواده و مالکیت دارایی‌ها را بر عهده دارند (Molyneux, 2011: 35). بنابراین، با توجه به نقش و اهمیت جایگاه زنان در توسعه، توانمندسازی آنان به‌عنوان رویکرد و راهبردی نوین مد نظر قرار گرفته است و توانمندسازی زنان به این معنی است که کردار و گفتارشان حاکی از اعتماد به نفس و اطمینان خاطر باشد، قادر به ارزیابی صحیح و شناخت واقعی خویشتن باشند، به استعدادهای خویش آگاه باشند، قدرت رویارویی با دشواری‌ها را داشته باشند و در رفع آن‌ها بکوشند، اهداف خود را بشناسند و با افزایش توانمندی خویش به اهداف مورد نظر دست یابند (بریمانی و نیک‌منش، ۱۳۹۱: ۶۹). مشارکت به معنای دخالت مردم در توسعه و تکامل خود، زندگیشان و محیط زیست خودشان است. مشارکت روستائیان در توسعه روستایی، به‌عنوان تبلور عینی رفتارهای مطلوب انسانی مطرح است. نگرش سیستمی به توسعه روستایی، پدیده مشارکت را امری طبیعی و کاملاً بنیادی جلوه می‌دهد و مشارکت تمام اقشار روستایی، اعم از زن و مرد و جوان و بزرگسال را پیش‌نیاز دستیابی به اهداف توسعه می‌داند (علی‌بیگی و بنی‌عامریان، ۱۳۸۷: ۳۴۶). بنابراین، مشارکت دادن زنان در برنامه‌ها و تصمیم‌گیری‌های مربوط به توسعه باعث می‌گردد که آنان اطلاعات و شناختی که در اثر سالیان متمادی در محیط زندگی خود به دست آورده‌اند به راحتی و بدون صرف هزینه‌ای در اختیار برنامه‌ریزان توسعه قرار دهند. و این امر می‌تواند در نهایت، در راستای توسعه پایدار بسیار مهم باشد (صفری‌شالی، ۱۳۸۰: ۱۳۵).

پیشینه تحقیق

میشراپاندا (Mishra panda, 2000: 145)، در مقاله‌ای به این نتیجه رسیده است که برای درک درست فرآیند توانمندسازی، دید سیستم‌ها را که در آن همه عناصر به هم پیوسته مانند مؤسسه خارجی (NGO)^۱، گروه هدف، برنامه توسعه، محیط‌های فوری

گروه هدف و مؤسسه خارجی و محیط بزرگ که گروه هدف و (NGO) را که در آن قرار دارند را باید مورد تحلیل قرار داد. آمشن کر (Umashankar, 2006: 5) در بخش نوات ایالت شمالی به این نتیجه رسیده است که دسترسی به اعتبار می تواند به توسعه پایگاه مالی زنان و توسعه کسب و کارهای کوچک که اغلب همراه با دسترسی به بازار است کمک کند. شیخ خطیبی (Shaikh khatibi, 2011: 29) نیز در پژوهشی به این نتیجه رسیده است که یک رابطه بین توانمندسازی زنان و مدیریت وجود دارد و زنان می توانند به عاملان ارتقای پایداری تبدیل شوند. هم چنین، هیل (Hill, 2011: 23) در نمونه موردی غنا به این نتیجه رسیده است که توانمندسازی زنان روستایی باید مورد توجه دولت‌ها، جامه مدنی و دیگر ذینفعان مورد توجه قرار گیرد و روش‌هایی را برای تسهیل مشارکت و رهبری کامل زنان در فرآیندهای تصمیم‌گیری بیان نموده اند. رادگبر (Rathgeber, 2011: 51) هم در پژوهشی به این نتیجه رسیده است که بسیاری از فن‌آوری‌های جدید و نو ظهور برای توانمندسازی زنان پتانسیل خوبی را ایجاد می‌کند، اما به خاطر سطح تحصیلات کمتر، دسترسی کمتر آن‌ها به اعتبار، فقدان اجاره داری زمین آن‌ها و دیگر شیوه‌های تبعیض آمیز، مردان اغلب نافعان فن‌آوری‌های جدید و بهبود یافته هستند و فقیرترین زنان به استفاده از فن‌آوری‌های سنتی کاربر ادامه می‌دهند و یا اصلاً از هیچ فن‌آوری استفاده نمی‌کنند.

بدری و نعمتی (۱۳۹۰) در مطالعه موردی استان گلستان به این نتیجه رسیده‌اند که عوامل ساختاری، اجتماعی و اقتصادی رابطه تنگاتنگی با میزان موفقیت دهیاری در روستاهای کوچک دارد، علاوه بر این که دهیاری در روستاهای پرجمعیت نیز به دلیل دریافت سرانه اعتباری بیشتر موفق تر از روستاهای کوچک عمل کرده است. خانی و دیگران (۱۳۹۱) نیز در روستای کن و سولقان در شمال غرب تهران به این نتیجه رسیده‌اند که علاوه بر وجود همگرایی و واگرایی میان دو جنسیت در برخی موارد، به دلیل ماهیت ارتباط گردشگری، موجب کسب آگاهی بیشتر زنان و افزایش ارتباطات اجتماعی آنان شده است، اما به کاهش نابرابری‌های جنسیتی و جلب مشارکت عملی آن‌ها در فعالیت‌های مربوطه منجر نشده است. حسینی و رهنورد (۱۳۸۷) هم در تحقیقی به این نتایج دست یافته‌اند که مهمترین عوامل تأثیرگذار در توانمندسازی

عبارت است از: نگرش مدیریت، ساختار گروهی، ارزش‌های بین گروهی، و روابط اطلاعاتی. هم‌چنین یافته‌های تحقیق نجفی کائی و وصال (۱۳۹۴) حاکی از آن است که مدیران محلی با عملکردهای خود تأثیر قابل توجهی در زمینه‌های مختلف اعم از ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب، افزایش درآمد، تقویت تعاونی‌ها و تشکل‌های زنان و هم‌چنین توجه به مهارت‌های زنان روستایی در دهستان استرآباد جنوبی داشته‌اند. به عقیده ایمانی جاجرمی و کریمی (۱۳۸۸)، مهمترین چالش اجتماعی مدیران روستایی، سهم اندک زنان و مشارکت آنان در مدیریت روستایی علی‌رغم جمعیت قابل توجه آنان در ساختار جمعیت روستاها است. هم‌چنین، نتایج تحقیق وثوقی و قاسمی (۱۳۹۳) نشان می‌دهد که توسعه اکوتوریسم میزان توانمندسازی اجتماعی، اقتصادی و مالی و روانی زنان را به طور معناداری افزایش داده است. نتایج پژوهش کلدی و سلحشوری (۱۳۹۱) نیز نشان می‌دهد که حمایت اجتماعی بر توانمندسازی روان‌شناختی، توانمندسازی اقتصادی، توانمندسازی جسمی و توانمندسازی کلی تأثیر داشته است. کیمیائی (۱۳۹۰): ۶۳ نیز در مقاله‌ای به این نتیجه رسیده است که اجرای برنامه توانمندسازی نه تنها به اشتغال، افزایش سطح درآمد و کاهش وابستگی زنان سرپرست خانوار منتهی می‌شود بلکه توانایی آن‌ها در حوزه‌های روان‌شناختی را نیز به دنبال دارد. چرمچیان لنگرودی و علی‌بیگی (۱۳۹۲: ۱۶۵) به این نتیجه رسیده‌اند که توانمندسازی روان‌شناختی زنان روستایی شهرستان ساری به وسیله شش عامل میزان ارتباطات، میزان گرفتن وام از منابع گوناگون، میزان مفید بودن روش‌ها و رهیافت‌ها، موانع، راهکارها و تحصیلات است. (فال سلیمان و دیگران، ۱۳۹۱) در پژوهشی نشان می‌دهند که زنان، با تشکل‌های سازمان یافته در قالب گروه‌های توسعه روستایی در امر احیای مراتع در فعالیتهای بذرچینی از گیاهان بومی منطقه، احداث نهالستان، کاشت و آبیاری گونه‌ها، در تمام عرصه احیای مراتع مشارکت مستقیم داشته‌اند. نتایج پژوهش بریمانی و نیک‌منش (۱۳۹۱) نشان می‌دهد که اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی مؤثر بوده است. هم‌چنین، سروش مهر، کلانتری و شعبانعلی فمی (۱۳۸۹: ۱۰۷) در مقاله‌ای به این نتیجه رسیده‌اند که مهمترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تسهیل توانمندسازی اقتصادی زنان، سه عامل مشارکت اقتصادی، انسجام خانوادگی و آگاهی اجتماعی است

در پایان ذکر این نکته ضروری است که در این مطالعه هرچند نظریاتی برای کمک به موضوع و روشن شدن آن آورده شده است، اما این مطالعه در چارچوب این نظریات پیش نمی‌رود. زیرا این مطالعه بر آن است تا خود فارغ از هر نظریه‌ای و براساس مطالعه عمیق و با روش‌های کیفی با استفاده از ساخت نظریه بنیانی، نظریه را از دل مطالب جمع‌آوری شده در میدان به دست آورد.

روش تحقیق

در این پژوهش، از روش نظریه داده بنیان استفاده گردیده است. این روش با استفاده از جمع‌آوری سیستماتیک و منظم داده‌ها و توسعه روش‌ها به شکل قیاسی و بنیانی در ارتباط با یکدیگر به کار می‌رود. هدف نظریه داده بنیان ایجاد نوعی نظریه است که علاوه بر وفادار ماندن به واقعیت، تعیین کننده ناحیه مورد نظر نیز باشد. از این رو، این نظریه ذاتاً تعمیم‌پذیری آماری ندارد و در عوض دارای تعمیم‌پذیری مفهومی است. نظریه داده بنیان شامل سه عنصر اصلی است: مفاهیم، مقولات و قضایا که اساسی‌ترین واحدهای تحلیل هستند و از طریق مفهوم سازی داده‌ها ایجاد می‌شوند (Molyneux, 2011). در نظریه داده بنیان برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده و تبدیل آن به مفاهیم، مقولات و قضایا، از روش کدگذاری استفاده می‌گردد که بر اساس اصول کدگذاری یعنی "پرسیدن" و "مقایسه کردن" صورت می‌گیرد. تبدیل داده‌های خام به مفاهیم و نیز تبدیل مفاهیم به مقولات در کدگذاری باز و تبدیل مقولات به قضایا در کدگذاری محوری صورت می‌گیرد، که مورد اخیر در چارچوب عناصر ششگانه "شرایط علی"، "پدیده"، "زمینه"، "شرایط مداخله گر"، "راهبردهای کنش/ واکنش" و "پیامدها" صورت می‌گیرد. دست یافتن به "مقوله محوری" یا "هسته‌ای" از طریق کدگذاری انتخابی صورت می‌گیرد. در کدگذاری انتخابی تحلیل داده‌ها به وسیله خط داستان انجام می‌شود و پس از بیان خط داستان و شرح آن، مجدداً در یک مدل پارادایمی پدیده محوری یا هسته‌ای به همان سبک مقوله محوری، بررسی شده و با کنار هم گذاشتن عناصر آن، یک نظریه که عناصر اساسی پژوهش را در خود داشته باشد، ساخته می‌شود.

حوزه جغرافیای تحقیق: ۵ روستا از دهستان عشق‌آباد، از بخش میان جلگه

شهرستان نیشابور از استان خراسان رضوی. شهرستان نیشابور یکی از شهرستان‌های استان خراسان رضوی است که در ۱۱۰ کیلومتری شمال غربی مشهد بر سر راه مشهد-تهران واقع گردیده است. شهر تاریخی، فرهنگی نیشابور مرکز این شهرستان است. این شهرستان از شمال به شهرستان‌های قوچان و مشهد و غرب به شهرستان سبزوار، از شرق به شهرستان مشهد و از جنوب به شهرستان کاشمر و تربت حیدریه منتهی می‌گردد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).

جامعه مشارکت کنندگان: جامعه مشارکت کنندگان، ۲۵ نفر زنان روستایی ۵ روستا از دهستان عشق آباد، بخش میان جلگه شهرستان نیشابور استان خراسان رضوی است.

تعریف واژه‌ها

توانمندسازی: توانمندسازی را می‌توان فرآیندی دانست که طی آن، افراد، گروه‌ها و جوامع از وضعیت موجود زندگی و شرایط حاکم بر آن آگاهی یافته و برای تغییر شرایط موجود به سمت شرایط مطلوب با شناسایی نیازها و دارایی‌های خود، برنامه‌ریزی مناسب، آگاهانه و سازمان یافته انجام می‌دهند. بر اساس این نظریه، هر فرد باید موقعیت آن را داشته باشد که از تمام توانمندی‌ها و خلاقیت‌های خود استفاده کند (محمدی، ۱۳۸۲: ۱۱۵).

توانمندسازی زنان روستایی: توانمندسازی زنان روستایی نیز همچون مفهوم کلی توانمندسازی به معنای مقابله به وضعیت بی‌قدرتی زنان روستایی است. این مفهوم به تدارک و تسلط بیشتر بر منابع و کسب منافع برای زنان روستایی اطلاق می‌شود. در طی این فرآیند زنان روستایی، برای غلبه بر موانع پیشرفت، فعالیت‌هایی انجام می‌دهند که باعث تسلط آن‌ها در تعیین سرنوشت خود و غلبه بر نابرابری بنیانی شده و موجب می‌گردد که زنان روستایی برای انجام برخی کارها توانایی پیدا کنند که این امر به رفع تبعیض میان زنان و مردان منجر شده و در مقابله با تبعیض‌های جنسیتی در جامعه مؤثر واقع می‌شود (همان: ۷۱۱).

توسعه پایدار: استفاده بهینه از کلیه منابع برای توسعه نسل امروز با حفظ حقوق نسل‌های آینده باشد. تعهدات این توسعه تا سال ۲۰۱۵ عبارت است از: ریشه کن کردن

فقر، همگانی کردن آموزش ابتدایی، ارتقای برابری جنسیتی و توانمند کردن زنان، کاهش میزاد مرگ و میر کودکان، بهبود بخشی بهداشت مادران، مبارزه با گسترش بیماری‌های خطرناک، اطمینان از پایداری محیط زیست و معکوس کردن تخریب آن (عربیون، ۱۳۸۵: ۸۶).

توسعه محلی: منظور از توسعه محلی همان توسعه بومی است. به تعبیری توسعه‌ای است که مبتنی بر بومی‌سازی و متکی بر دانش بومی به توانمندسازی جامعه و توان بخشی اجتماعی کمک می‌کند (طالب و عنبری، ۱۳۸۷: ۲۴۹).

مشارکت: در این جا، مشارکت به معنای دخالت مردم در توسعه و تکامل خود، زندگی‌شان و محیط زیست خودشان است. مشارکت روستاییان در توسعه روستایی، به‌عنوان تبلور عینی رفتارهای مطلوب انسانی مطرح است. نگرش سیستمی به توسعه روستایی، پدیده مشارکت را امری طبیعی و کاملاً بنیادی جلوه می‌دهد و مشارکت تمام اقشار روستایی، اعم از زن و مرد و جوان و بزرگسال را پیش نیاز دستیابی به اهداف توسعه می‌داند (طوسی، ۱۳۷۰: ۵۴).

توسعه روستایی: فرایندی است که با بهره‌گیری از سازوکارهایی چون برنامه‌ریزی، سازماندهی، تقویت خود اتکایی فردی و جمعی و ایجاد دگرگونی مناسب در ساختارهای ذهنی و اجتماعی روستاییان تلاش می‌کند که در آن‌ها قدرت، توان و اختیار بهره‌گیری از قابلیت‌ها و منابع در اختیارشان را تقویت کنند تا به واسطه آن بتوانند وضعیت موجودشان را به وضعیت مناسب و مطلوب تر تغییر دهند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۲۲).

رفاه اجتماعی: به معنای نظامی از خدمات، مؤسسات یا نهادهای اجتماعی است که به منظور کمک و خدمت به افراد به وجود آمده، تا سلامت، زندگی بهتر و زمینه روابط مناسب تری برای پیشرفت قابلیت‌ها، ظرفیت‌ها و توانایی انسان‌ها به منظور توسعه رفاه آن‌ها فراهم آورد (میجلی، ۱۳۸۷: ۴).

دانش بومی: دانش بومی دانشی است که ریشه در فرهنگ خاص و منطقه‌ای خاص داشته و از سال‌ها سال پیش شکل گرفته و به صورت عملی و از طریق آزمون و خطا مورد آزمایش قرار گرفته و به صورت شفاهی و سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل گردیده است. این دانش به صورت تجربی و استاد شاگردی بوده و کل نگر است

(یوسفی، ۱۳۹۰: ۲۵).

یافته‌های تحقیق

گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها: به منظور گردآوری داده‌ها ابتدا برخی از افراد مطلع در منطقه شناسایی شدند و سپس برای اجرای بهتر نظریه داده بنیانکار با ارزیابی سریع روستایی (RRA)^۱ شروع گردید. پس از برنامه‌ریزی و بسترسازی برای اجرای این روش مشارکتی، به گردآوری داده‌ها بر اساس سؤالات نیمه ساختار یافته که از قبل تنظیم شده بودند، مصاحبه شروع گردید. گردآوری داده‌ها با استفاده از روش‌ها و تکنیک‌های مختلف مانند بحث‌های گروهی، PRA^۲، مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته، مشاهده، قدم زدن در روستاها و ... ادامه یافت مصاحبه با تکنیک گلوله برفی انجام شد و در نفر ۲۵ به اشباع نظری رسید.

برای تجزیه و تحلیل داده‌های خام گردآوری شده از میدان پژوهش، ابتدا، بر اساس اصول و شیوه کار در گراند تئوری به صورت کدگذاری باز، از درون کلیه داده‌های گردآوری شده از میدان، شامل یادداشت‌ها، تصاویر و فایل‌های صوتی، ۲۰۰ داده خام، شامل کلمات، پاراگراف‌ها و جملات، استخراج گردید و در جداولی تنظیم شدند که به دلیل زیاد شدن حجم از آوردن آن‌ها صرفاً به یک نمونه اشاره می‌گردد. سپس بر اساس اصول کدگذاری از دو شیوه "پرسیدن" و "مقایسه کردن" برای تبدیل داده‌های خام گردآوری شده به مفاهیم استفاده گردید. در همین راستا، از مجموع داده‌های خام گردآوری شده از میدان، ۴۱ مفهوم استخراج و برای تبدیل "مفاهیم" به "مقولات"، مفاهیم با رعایت ضوابط حاکم بر کدگذاری، مفاهیم به ۱۰ "خرده مقوله" تقسیم گردید. در ادامه مجدداً همان روند جهت تنظیم "مقولات گسترده" اجرا شد، که در این مرحله ۳ مقوله گسترده به دست آمد. در گام بعدی، کدگذاری محوری صورت گرفت. کدگذاری محوری فرآیند مرتبط کردن مقولات فرعی به مقولات اصلی تر را شامل می‌شود. این عمل شامل تفکر پیچیده استقرایی و قیاسی است که طی چند مرحله انجام

1. Rapid Rural Appraisal

2. Participatory Rural Appraisal

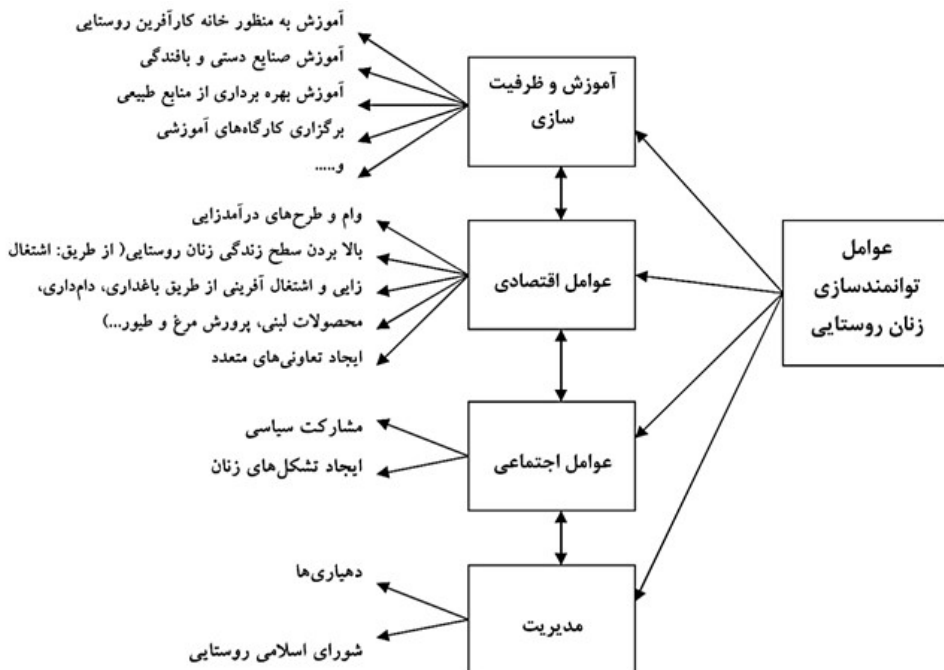
گرفته است و مقولات بر اساس "الگوی پارادایمی" ایجاد و کشف شدند. در این مرحله سه مدل پارادایمی پدیده عوامل فردی مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی، پدیده عوامل اقتصادی مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی و پدیده عوامل اجتماعی مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی ساخته شد و در الگوی پارادایمی مقولات فرعی هر پدیده با مقولات اصلی تر خود مرتبط گردید که به دلیل حجم مقاله از آوردن مدل ها خودداری می گردد.

جدول ۱) یک نمونه از داده‌های خام جمع‌آوری شده از میدان و مفهوم‌سازی و مقوله‌سازی

مقولات گسترده	مقولات خرد	مفاهیم	داده‌های گردآوری شده
عوامل مؤثر بر توانمندسازی	آموزش و ظرفیت‌سازی	توسعه خانه کارآفرینی روستایی	توانمندسازی در امور بافندگی زنان روستایی
			آموزش صنایع بافندگی به زنان روستایی
			اشتغال‌زایی برای زنان روستایی
			اشتغال‌آفرینی در صنایع‌دستی برای زنان روستایی
			فعالیت‌های آموزشی به منظور تأمین برای زنان روستایی
		توانمندسازی زنان روستایی	توانمندسازی زنان روستایی از طریق آموزش‌های مختلف
			برگزاری بازدیدهای آموزشی برای زنان
			برگزاری کارگاه‌های آموزشی
			توانمندسازی زنان روستایی در امور باغداری
			توانمندسازی زنان روستایی در امور صنایع بافندگی
			توانمندسازی زنان روستایی در امور دامداری
			توانمندسازی زنان روستایی در امور صنایع دستی
			توانمندسازی زنان روستایی در امور زراعت نوین
			توانمندسازی زنان روستایی در امور ریسندگی نوین
			آموزش دامپزشکی به زنان روستایی
			آموزش حفاظت محیط زیست به زنان روستایی
			آموزش منابع طبیعی

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج استخراج شده از جداول و مدل‌های پارادایمی به صورت فشرده در نمودار ۱ آورده است.



نمودار شماره ۱- عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی منطقه مورد مطالعه

عوامل فردی مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی: یکی از عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی، آموزش و ظرفیت‌سازی است که شامل: آموزش به منظور توسعه خانه کار آفرینی روستایی (آموزش خیاطی زنان توسط دولت و سازمان‌های نیمه دولتی)، توانمندسازی در امور بافندگی و فعالیت‌های آموزشی به منظور تأمین شغل (ایجاد کارگاه آموزشی قالی بافی، گبه بافی، جاجیم بافی، کیف زنانه بافی) با مشارکت مردم، توانمندسازی از طریق آموزش دامپزشکی به بهره‌برداران، توانمندسازی از طریق آموزش حفاظت محیط زیست، برگزاری کارگاه زیست محیطی (انجام بازدید بهره‌برداران منطقه مورد مطالعه از پروژه‌های مشارکتی سایر مناطق، برگزاری کارگاه

آموزشی کوتاه مدت پرداخت برای بهره‌مندی از مواهب طبیعی، برگزاری دوره آموزش مفاهیم محیط زیست و مرتع، انجام بازدید علمی جامعه زنان منطقه مورد مطالعه، برگزاری کارگاه چالش‌ها و تعارض قوانین، توانمندسازی از طریق تسهیلات مالی و وام (طرح‌های در آمد زایی و وام) است.

عوامل اقتصادی مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی: بعد دیگر موضوع، بالا بردن سطح زندگی زنان روستایی منطقه مورد مطالعه است که از طرق زیر صورت می‌گیرد: از طریق ارتقای توانمندسازی زنان (درآمد، اشتغال و مسایل فرهنگی و اجتماعی) شامل کسب درآمد از بافتن قالی، جاجیم بافی، گبه بافی، خیاطی، باغداری، زراعت جو، گندم و زعفران، توسط زنان منطقه مورد مطالعه، اشتغال‌زایی و اشتغال آفرینی از طریق محصولات لبنی (کسب درآمد از طریق فروش روغن حیوانی، کره حیوانی، شیر، ماست، دوغ، قره قروت، پشم)، ایجاد دام‌داری پرواری با پشتیبانی دولت و مشارکت مردم، ایجاد اشتغال از طریق پرورش مرغ و طیور با مشارکت مردم و با پشتیبانی دولت، برنامه‌ریزی توریسم روستایی (اکوتوریسم روستایی و اشتغال).

در کنار این موارد بایستی به ایجاد تعاونی‌ها توجه ویژه کرد که در این راستا مواردی چون: تأسیس صندوق برنامه‌ریزی و توسعه روستایی، اعطای وام‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت به مردم، اعزام گروه تسهیل‌گری به روستا برای کمک به زنان روستایی نیز باید مد نظر قرار گیرد.

عوامل اجتماعی مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی

تشکل‌های زنان یکی از شیوه‌های مؤثر بر توانمندسازی زنان است. در این شیوه خدمات متعدد مؤثری به زنان ارائه داده خواهد شد که بر توانمندسازی آنان تأثیر می‌گذارد و موجب پیروزی بر موانع توانمندسازی آنان خواهد شد. از جمله این خدمات می‌توان به ارائه خدمات مشاوره‌ای به زنان روستایی، توانمندسازی آنان برای استفاده از سازمان‌های حمایتی، مهارت آموزی، مشارکت در انواع عرصه‌ها، ارائه خدمات اجتماعی به زنان روستایی اشاره کرد. برای دستیابی به اهداف توسعه همه‌جانبه، مشارکت روستاییان بویژه زنان روستایی در برنامه‌های توسعه بسیار ضروری است. زیرا بدون همکاری آنان،

هرگونه طرح توسعه با مشکل روبه رو خواهد شد. این گونه مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها باید در سطح توده مردم گسترش یابد. در حال حاضر، نه تنها زنان روستایی در تمام مراحل چرخه توسعه نقش ندارند، بلکه برخی از نهادهای مشارکتی جدید حالت نمایشی یافته‌اند. از این رو، باید در راستای توسعه محلی به علائق مادی (اقتصادی و اجتماعی) زنان روستایی که مهمترین عامل انگیزه‌ساز برای مشارکت است، توجه گردد.

مدیریت روستایی: یکی دیگر از عواملی که در جریان توانمندسازی زنان منطقه مورد مطالعه دخالت دارد، پدیده مدیریت روستایی است. نتایج حاصله از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که هر جا مدیریت محلی (مثلاً دهیارها) به کمک زنان شتافته‌اند، با موفقیت همراه بوده‌اند.

یکی دیگر از ابعاد مدیریتی روستایی در این پژوهش، شورای اسلامی روستایی است. نتایج حاصله از تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از میدان تحقیق نشان می‌دهد که امکانات مادی و تخصصی ضروری، برای هزینه طرح توسعه و وجود نیروهای متخصص در منطقه وجود ندارد و یا اگر دارد، از ساختار مناسبی برخوردار نیست. برای مثال، نهاد مشارکتی محلی شورا در روستاها وجود دارد، ولی از ساختار مناسبی برخوردار نیست. هم‌چنین، امروزه زنان به‌طور فراملی مشغول سازماندهی هستند و مسایل مربوط به جنسیت را در این فرآیند حالت جهانی پیدا می‌کند. نتیجه حضور رقابتی زنان و مردان در عرصه‌های مشترک، افزایش عرصه نیروی کار بدون ایجاد تقاضا و فرصت‌های شغلی در بازار کار است که به افزایش نرخ بیکاری، افت دستمزد و مهاجرت نیروی کار منجر می‌گردد.

نقش زنان روستایی دهستان عشق آباد نیشابور در توسعه محلی: با عنایت به مطالب بالا و نیز نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از میدان این تحقیق درمی‌یابیم که اگر زنان را توانمند کنیم، آنان در توسعه محلی نقش مؤثری ایفا خواهند نمود. به تعبیری دیگر، اگر زنان روستایی منطقه مورد مطالعه در ابعاد سیاسی، اقتصادی و تولیدی، اجتماعی و مدیریتی توانمند گردند، به خوبی می‌توانند در کنار مردان در امر توسعه محلی مشارکت جدی و فعال داشته باشند. در بعد اجتماعی و مشارکت، اگر از طریق مشاوره و آموزش‌های لازم و ایجاد تشکل‌های

متعدد بر توانمندسازی زنان افزوده گردد، آنان می‌توانند در توسعه محلی دارای نقش بسزایی باشند. به تعبیری اگر برای زنان روستایی منطقه مورد مطالعه در برنامه‌های توسعه محلی نسبت به گذشته نقش و سهم بیشتری در نظر گرفته شود آنان می‌توانند در آینده، خود را به‌عنوان یکی از دو ستون اصلی توسعه در منطقه مورد مطالعه مطرح کنند و این امر به کمک آموزش و توانمندسازی زنان و ایجاد تشکل‌های زنان و هم‌چنین حمایت‌های مادی و معنوی از زنان دست‌یافتنی است. از این رو، مصلحین توسعه روستایی به‌عنوان کسانی که در امر توسعه دخالت دارند، باید به این موارد توجه نمایند

۱- برای مناطق روستایی به طور عام و زنان روستایی به طور خاص در برنامه‌های توسعه اولویت ویژه قائل شوند تا کم‌توجهی گذشته نسبت به حضور زنان در توسعه جبران گردد؛

۲- دوگانگی در برنامه‌های رفاهی، فرهنگی، اجتماعی و آموزشی زنان روستایی و شهری از میان برداشته شود؛

۳- زنان روستایی به‌طور هم‌زمان، هم در عرصه نظری و هم در عرصه‌های عملی باید نقش فعال‌تری را در جامعه برعهده بگیرند؛

۴- برای دستیابی به اهداف توسعه، از بین بردن تبعیض‌های قانونی ضروری است. در بعد اقتصادی، تولیدی و ایجاد اشتغال نیز زنان می‌توانند نقش عمده‌ای را در توسعه محلی در منطقه مورد مطالعه ایفا نمایند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که زنان منطقه مورد مطالعه در صحنه فعالیت‌های اقتصادی، تولیدی و اشتغال می‌توانند نقش تأثیرگذاری ایفا نمایند. زنان این منطقه در فعالیت‌های مختلف اقتصادی مشارکت دارند. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مهمترین فعالیت‌های زنان منطقه مورد مطالعه عبارتند: از کشاورزی و باغداری، پرورش دام و طیور، خیاطی، صنایع دستی مانند قالی، تهیه و فروش محصولات لبنی و نیز نگهداری انواع محصولات و همین‌طور فعالیت‌های مربوط به مدیریت خانه نقش ویژه‌ای برعهده دارند. آنان هم‌چنین در نظافت آغل و اصطبل، تیمار دام‌ها، انتقال فضولات دامی به بیرون و تهیه مواد سوختی نقش زیادی دارند. اما در نظر نگرفتن و نیز بی‌توجهی به توانمندسازی زنان و نیز کم‌رنگ بودن

مشارکت آنان در مراحل متعدد فعالیت‌های تولیدی، با وجود قابلیت‌ها و مهارت‌های زنان به هر دلیلی موجب کم شدن تولید در این روستاها خواهد شد.

در بعد مدیریت که موجب می‌شود زنان دستشان باز باشد، در بعد اقتصادی به بازار محلی در آمد تزریق می‌کنند، در بعد اجتماعی از فکر و ایده آنان استفاده می‌شود، در بعد روانی و فردی نیز خود اتکا می‌شوند.

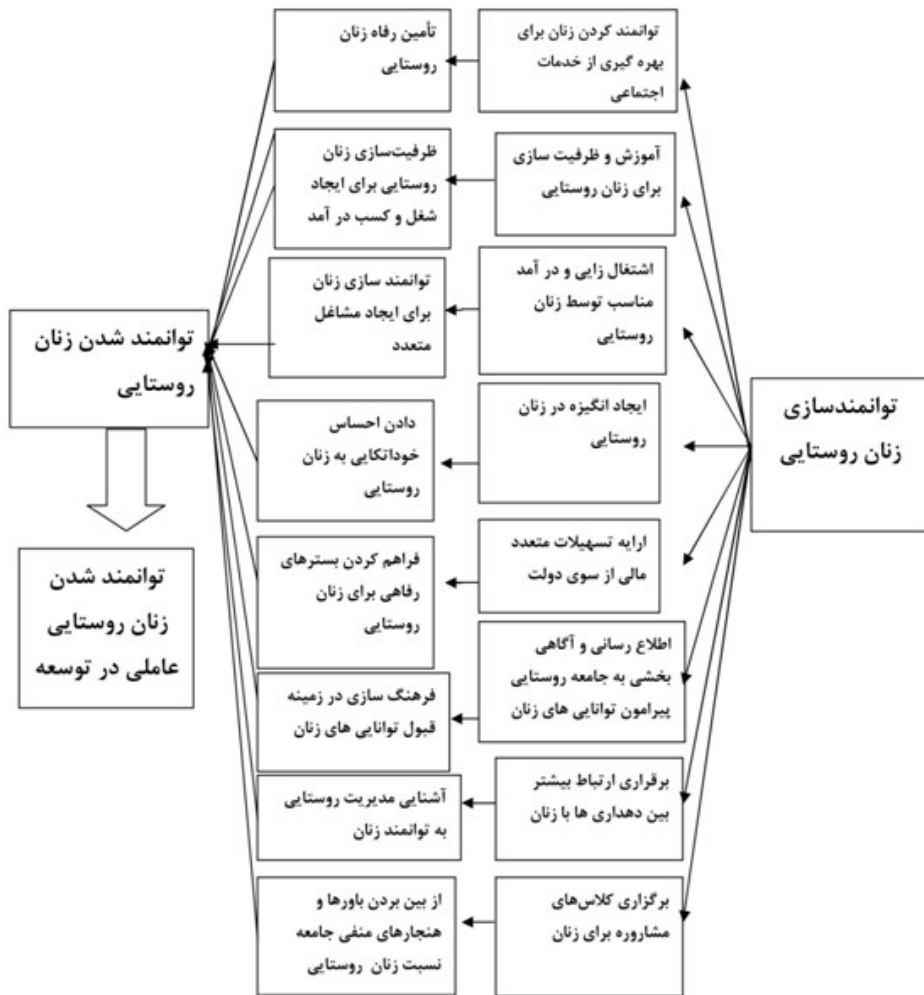
با توجه به عوامل بالا زنان روستایی عرصه‌های فعالیت تولیدی و اشتغال مناسبی در منطقه مورد مطالعه برای توسعه محلی پیش روی خود دارند که با این امر موجب ارتقای سطح زندگی خود در همه ابعاد خواهند شد.

اشتغال‌زایی و اشتغال‌آفرینی از طریق محصولات فرعی مرتعی، اشتغال‌زایی و اشتغال‌آفرینی از طریق مرغ‌داری و پرورش سایر طیور، ایجاد اشتغال از طریق ایجاد کارگاه‌های خیاطی، ایجاد اشتغال از طریق کشاورزی مکانیزه اعم از زراعت جو، گندم و صیفی‌جات، ایجاد دامداری پرواربندی که همه این‌ها با مشارکت زنان روستایی و البته با حمایت‌های دولتی و ایجاد زمینه مشارکت زنان در همه عرصه‌ها امکان‌پذیر است که در این راستا ایجاد تعاونی‌ها نیز توسط مشارکت‌کنندگان برای این امر پیشنهاد گردیده است، از ابعاد دیگر فعالیت و توانمندی‌های زنان روستایی است. این موارد حاکی از اهمیت نقش زنان در توسعه محلی در منطقه مورد مطالعه است.

کد گذاری انتخابی پدیده "توانمندسازی زنان روستایی": کدگذاری محوری سه مدل پارادایمی پدیده عوامل فردی توانمندسازی زنان روستایی، پدیده عوامل اقتصادی و پدیده عوامل اجتماعی مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی ساخته شد، که از تلفیق و توأم کردن مقولات اصلی مدل‌های ذکر شده یک مدل پارادایمیک تحت عنوان "عوامل توانمندسازی زنان روستایی" ساخته شد و برای شکل‌گیری اولیه چارچوب مدل مورد استفاده قرار گرفت، که به دلیل زیاد شدن حجم مقاله از آوردن آن خودداری می‌گردد. حال با توجه به مطالب بالا و با پیگیری روند روایت داستان و برداشت مفهومی و نیز تکرار مقولاتی چون؛ نیاز به توانمندسازی زنان روستایی، عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی، مشارکت و توانمندسازی زنان روستایی، توانمندسازی زنان روستایی و نقش آن در توسعه محلی و غیره می‌توان "توانمندسازی زنان روستایی" را به‌عنوان

"مقوله محوری" یا "هسته ای" انتخاب کرد.

نظریه حاصل از تحقیقات میدانی: با توجه به نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها که بیان شد، می‌توان در خصوص ارائه یک نظریه که تمام عناصر پژوهش را در خود داشته باشد اقدام کرد. در این راستا نظریه "توانمندسازی زنان روستایی به مثابه عاملی برای توسعه محلی" پس از تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از میدان به دست آمد.



نمودار شماره ۲- مدل مفهومی نظریه توانمندسازی زنان روستایی به مثابه عاملی برای توسعه محلی

منابع

- ابوت، پاملا؛ والاس، کلر (۱۳۸۰). *جامعه شناسی زنان*. ترجمه منیژه نجم عراقی. تهران: نشر نی.
- ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳). *توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران*. تهران: نشر نی.
- ایمانی جاجرمی، حسین؛ کریمی، علیرضا (۱۳۸۸). "چالش‌های اجتماعی شوراهاى روستایی در مدیریت محلی". *توسعه روستایی*، دوره اول، ش ۱ (پاییز و زمستان): ۹۰-۱۱۴.
- بدری، سیدعلی؛ نعمتی، مرتضی (۱۳۹۰). "چالش‌های مدیریت روستایی در ایران و ارایه سیاست‌های راهبردی". *سیاست‌گذاری*، سال دوم، ش ۲ (بهار): ۱۴۷-۱۸۰.
- بریمانی، فرامرز؛ نیک‌منش، زهرا (۱۳۹۱). "بررسی نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی (نمونه موردی: دهستان لکستان شهرستان سلماس)". *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، سال یکم، ش ۱ (تابستان): ۶۹-۸۲.
- چرمچیان لنگرودی، مهدی؛ علی‌بیگی، امیرحسین (۱۳۹۲). "بررسی عوامل مؤثر بر توانمندسازی روان‌شناختی زنان روستایی". *فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه*، سال چهارم، ش ۱ (بهار): ۱۶۵-۱۹۲.
- حسینی، نسرین؛ رهنورد، فرج‌اله (۱۳۸۷). "عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان". *پژوهش‌های زنان*، دوره ششم، ش ۱ (بهار): ۱۰۵-۱۱۸.
- حیدری ساربان، وکیل؛ یاری حصار، ارسطو؛ طالعی حور، وحید (۱۳۹۳). "ارزیابی اثرات اقتصادی اجرای طرح هادی در سکونتگاه‌های روستایی (نمونه مورد مطالعه: بخش مرکزی شهرستان خرم‌آباد)". *فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی*، سال هجدهم، ش ۴ (زمستان): ۲۵-۳۸.
- خانی، فضیله، و دیگران (۱۳۹۱). "ارایه الگوی توانمندسازی زنان روستایی استفاده کننده از ICT". *توسعه روستایی*، دوره چهارم، ش ۱ (بهار و تابستان): ۸۵-۱۰۸.
- خسروی پور، بهمن؛ فروشانی، ناهید (۱۳۹۰). "مشارکت زنان و توسعه پایدار

- روستایی کار و جامعه". کار و جامعه. دوره چهل و دوم، ش ۲ (پاییز): ۵۶-۶۸.
- دارابی، حسن (۱۳۸۴). "تبیین پیامدهای فضایی فعالیت‌های عمرانی در پرتو مشارکت مردمی، (مورد مطالعه: سکونتگاه‌های روستایی ناحیه کاشان)". رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده محیط زیست، دانشگاه تربیت مدرس.
- روح‌افزا، فائزه؛ اکرامی، عطیه (۱۳۸۸). "ضرورت توجه به اهمیت نقش زنان در راستای اهداف توسعه پایدار". فرهنگ. دوره بیست و دوم، ش ۷۰ (تابستان): ۱۶۹-۱۹۴.
- سروش مهر، هما؛ کلانتری، خلیل؛ شعبانعلی فمی، حسین (۱۳۸۹). "بررسی عوامل تسهیل کننده و بازدارنده توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی (مطالعه موردی: شهرستان همدان)". توسعه روستایی، دوره اول، ش ۲ (بهار): ۱۰۷-۱۲۴.
- سن، آمارتیا (۱۳۸۵). توسعه به مثابه آزادی. ترجمه وحید محمودی. تهران: دانشگاه تهران، دانشکده مدیریت.
- شاطریان، محسن؛ گنجی‌پور، محمود (۱۳۸۹). "تأثیرات سرمایه‌گذاری‌های عمرانی در توانمندسازی روستاها (مطالعه موردی: روستاهای بخش ابوزیدآباد شهرستان کاشان)". پژوهش‌های روستا، دوره اول، ش ۳ (پاییز): ۱۳۱-۱۵۱.
- صفری شالی، رضا (۱۳۸۰). "نقش توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی در توسعه پایدار روستایی". در: مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد زنان روستایی و عشایر. زنجان: وزارت جهاد کشاورزی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی: ۱۱۳-۱۳۸.
- طالب، مهدی؛ عنبری، موسی (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی روستایی: ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران. تهران: دانشگاه تهران.
- طوسی، محمدعلی (۱۳۷۰). مشارکت در مدیریت و مالکیت. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- عربیون، ابوالقاسم (۱۳۸۵). "ضرورتی در فرایند توسعه و ترویج". روستا و توسعه، سال نهم، ش ۱ (بهار): ۸۱-۱۱۰.

- علی بیگی، امیرحسین؛ بنی عامریان، لیلا (۱۳۸۷). "تحلیل مشارکت زنان روستایی شهرستان سنقر و کلیایی در برنامه‌های آموزشی-ترویجی (راهبردی در توسعه پایدار روستایی)". در: مجموعه مقالات اولین همایش ملی مدیریت و توسعه کشاورزی پایدار در ایران. اهواز: مؤسسه عالی و پژوهش سیمای دانش: ۳۴۱-۳۵۴.
- عمادی، محمدحسین (۱۳۸۰). "تسریع روند توسعه روستایی از طریق اولویت‌بخشی به زنان". در: مجموعه مقالات زن و مشارکت سیاسی و اجتماعی. تهران: نهاد ریاست جمهوری، مرکز امور مشارکت زنان: ۱۹-۲۳.
- فال سلیمان، محمود؛ و دیگران (۱۳۹۱). "بررسی و ارزیابی عملکرد دهیاران در فرایند مدیریت و توسعه روستایی". *پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، دوره اول، ش ۱ (بهار و تابستان): ۷۳-۹۱.
- کتابی، محمود؛ یزدخواستی، بهجت؛ فرخ راستایی، زهرا (۱۳۸۲). "توانمندسازی برای مشارکت در توسعه". *فصلنامه پژوهش زنان*، دوره اول، ش ۷ (پاییز): ۵-۳۰.
- کرایب، یان (۱۳۸۸). *نظریه اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس*. ترجمه عباس مخبر. تهران: آگه.
- کلدی، علیرضا، سلحشوری، پروانه (۱۳۹۱). "بررسی حمایت‌های اجتماعی بر توانمندسازی زنان". *مطالعات اجتماعی توسعه ایران*، سال چهارم، ش ۴ (پاییز): ۷-۲۲.
- کوهن، ایراجی (۱۳۷۹). *آنتونی گیدنز در متفکران بزرگ جامعه‌شناسی*. ترجمه مهرداد میردامادی. تهران: نشر مرکز.
- کیمیائی، علی (۱۳۹۰). "شیوه‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار". *فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال یازدهم، ش ۴۰ (بهار): ۶۳-۹۹.
- لانگه، سارا (۱۳۷۲). "معیارهایی برای توانمندسازی زنان، نقش زنان در توسعه". *روشنگران*، دوره سوم، ش ۱۲ (پاییز): ۱۸-۳۲.
- محمدی، مهدی (۱۳۸۲). "توانایی‌های زنان در اقتصاد تولیدی عشایر". *پژوهش زنان*، دوره یک، ش ۶ (تابستان): ۱۰۹-۱۲۸.

- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان نیشابور. تهران: مرکز آمار ایران.
- میجلی، جیمز (۱۳۸۷). *رفاه اجتماعی در جهان*. ترجمه محمدتقی جغتایی. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی.
- نجفی کابی، علی اکبر؛ وصال، زینب (۱۳۹۴). "نقش مدیریت محلی در توانمندسازی زنان روستایی (مطالعه موردی: دهستان استرآباد جنوبی شهرستان گرگان)". *مطالعات برنامه ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، سال دهم، ش ۲۰ (بهار): ۴۷-۵۶.
- وثوقی، لیلیا؛ قاسمی، مهدیه (۱۳۹۳). "اکوتوریسم و توانمندسازی زنان روستایی (مطالعه موردی: روستایی شیب‌دراز جزیره قشم)". *زن در توسعه و سیاست*، دوره دوازدهم، ش ۴ (زمستان): ۵۹۳-۶۱۰.
- یوسفی، جلال (۱۳۹۰). *دانش بومی با تأکید بر جامعه روستایی ایران*. تهران: راه سبحان؛ سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور.
- Hill, Catherine (2011). "Enabling Rural Womens Economic Empowerment". *Institutions, opportunities, and participation, Ghana*, Vol. 1, No. 2-3: 20-23.
- Mishra panda, Smita (2000). "Womens Empowerment Through NGO intervention". *A frame work for Assessment, India*, Vol. 6, No. 1: 21 -45.
- Molyneux, Maxine (2011). "Gender and the Silences of Social Capital: Lessons from Latin America". *Development and Change*, Vol. 33, No. 2: 167-188.
- Rathgeber, M. (2011). "Rural Womens Access to Science and Technology in the context of Natural Resource Management". *Sociological Inquiry, Ghana, ottawa*, Vol. 74, No. 7: 50-52.

- Shaikh khatibi, Indira M. (2011). “Empowerment of Women through self help Groups and environmental management”. Experiences of NGOs in karnataka state, India, Vol. 34, No. 1: 29-40.
- Umashankar, Deepti (2006). “Womens Empowerment: Effect of participation in self help Groups”. Sociological Inquiry, Vol, 34. No, 4: 1-6.

